



فصلنامه مطالعات راهبردی ♦ سال دهم ♦ شماره اول ♦ بهار ۱۳۸۶ ♦ شماره مسلسل ۳۵

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

# نقد و بررسی کتاب



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



## شیعیان عربستان سعودی

Fouad Ibrahim, *The Shi'is of Saudi Arabia*, London & Sanfrancisco,  
Saqi Press, 2006, 306 Pages.

### مقدمه

«شیعیان عربستان سعودی بنا به سه دلیل اساسی از جایگاه مهمی برخوردارند؛ اولاً در منطقه‌ای نفت‌خیز سکونت و اشتغال دارند و میادین نفتی قوار<sup>۱</sup> و قطیف در حوزه مناطق شیعه‌نشین قرار گرفته‌اند. گفتنی است که میدان قوار بیش از ۶۰ میلیارد بشکه (تقریباً دو برابر کل ذخایر نفتی آمریکا) ذخیره قطعی نفت دارد و هزینه استخراج نفت از این منطقه کمتر از سه دلار است. ثانیاً مناطق شیعه‌نشین عربستان سعودی در امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی تأثیر بسیار مهمی دارد و ثبات اقتصادی - سیاسی عربستان، خلیج (فارس) و جهان تا حدود چشمگیری بدین منطقه وابسته است. به این دلیل روشن که ۹۵ - ۹۰ درصد درآمد ارزی عربستان سعودی و ۱۵ درصد نفت مصرفی جهان از این منطقه تأمین می‌شود. علاوه بر این، ۶۰ - ۴۰ درصد نیروی کار شاغل در صنعت نفت عربستان، شیعه هستند. ثالثاً منطقه شیعه‌نشین عربستان سعودی با کشورهایی همجوار است که اکثریت جمعیت آنها شیعه‌اند. ۶۵ درصد جمعیت بحرین، ۹۰ درصد جمعیت ایران و ۶۰ درصد جمعیت عراق شیعه هستند و این سه

کشور با منطقه شیعه‌نشین عربستان همسایه می‌باشند. باید به این سه مورد، نگرش ویژه شیعیان به اصل حکومت را اضافه کرد که قابلیت سیاسی - مذهبی خاصی به آنها بخشیده است. «(ص ۶) فواد ابراهیم» کتاب خود (شیعیان عربستان سعودی) را با عبارت اخیر آغاز می‌کند. در این عبارت، نویسنده نشان می‌دهد که از اطلاعات دقیق و فهم عمیقی برخوردار است. آشنایی فواد ابراهیم با زبان‌های عربی، فارسی و انگلیسی و نیز نقش مستقیم او در درگیری‌های اپوزیسیون شیعه با حکومت سعودی، پژوهش حاضر را از ارزش و روایی چشمگیری برخوردار ساخته است. ابراهیم در مقدمه کتاب خود تصریح می‌کند که:

«برای رفع خلاء موجود در زمینه مطالعات مربوط به شیعیان به پنج دسته منابع رجوع کرده‌ام؛ پیش از هر چیز به مطالعه متون داخلی جنبش یعنی نامه‌های خصوصی مبادله‌شده بین رهبران جنبش اصلاح پرداخته‌ام. علاوه بر آن، برای تکمیل پژوهش و تحکیم فرضیه‌های خودم با رهبران جنبش (اصلاح) مصاحبه و گفتگوی خصوصی انجام داده‌ام. ثالثاً کتاب‌های منتشر شده در مورد جنبش‌های شیعه را مطالعه کرده‌ام. رابعاً عضویتم در کمیته مرکزی جنبش اصلاح، امکانات زیادی فراهم آورد تا با مسایل شیعیان آشنا شوم. بالاخره مقالات علمی محققان مسایل شیعه (های منطقه خلیج فارس و به ویژه عربستان سعودی) را بررسی و از حاصل آنها کتاب حاضر را تهیه کرده‌ام.» (ص ۷)

فواد ابراهیم با این سابقه و تجربه، کتاب «شیعیان عربستان سعودی» را در قالب هفت فصل تنظیم کرده و وعده داده «مانند محققان خارجی به توصیف کلیات بسنده نخواهد کرد و با کالبد شکافی جنبش شیعیان عربستان، به شرح شکل‌گیری و تحول گفتمان فکری - سیاسی آنها خواهد پرداخت.» (ص ۸) مقطع زمانی پژوهش ابراهیم، سی سال اخیر یعنی از سال ۱۹۷۵ (شکل‌گیری سازمان انقلاب اسلامی یا جنبش اصلاح) تا سال ۲۰۰۵ بوده است. به عقیده ابراهیم، جنبش اصلاح در سال ۱۹۷۵ شکل گرفت، در دهه ۱۹۸۰ به اوج رسید و پس از جنگ خلیج فارس، میانه‌رو شده است. ریشه‌های این تحول و دستاوردهای آن، موضوعی است که در هفت فصل کتاب به تفصیل آمده است. آنچه در پی می‌خوانید، چکیده یافته‌های فواد ابراهیم و نیز سنجش صحت و استحکام داده‌ها و فرضیه‌های نویسنده کتاب است.

## ۱. ایدئولوژی تغلب<sup>۱</sup>

فواد ابراهیم اولین فصل کتاب را «ایدئولوژی تغلب» نام نهاده و به شرح مبانی و اشکال غلبه وهابی‌های سنی بر شیعیان پرداخته است. نویسنده به منظور شرح بهتر ماجرا، ابتدا ظرفیت طبیعی و انسانی شیعیان و مناطق شیعه‌نشین عربستان را توضیح می‌دهد تا خواننده را بدین نتیجه برساند که شیعیان روی گنج و ثروت نشسته‌اند؛ اما در چنبره رنج و محنت گرفتارند و دلیل این وضع ناموزون، چیزی نیست جز عقاید وهابی‌ها در مورد شیعیان.

از نگاه فواد ابراهیم، شیعیان ساکن الاحساء و قطیف، جمعیت قابل توجهی دارند. وی با استناد به منابع مختلف، مغرضانه‌ترین منابع را مرجع قرار داده و خاطرنشان می‌سازد که از جمعیت ۱۹ میلیونی عربستان سعودی، حدود یک میلیون نفر شیعه (اثنی‌عشری، زیدی و اسماعیلی) هستند که این تعداد بیش از جمعیت شیعی کشورهای کویت، قطر، یمن، امارات متحده عربی و عمان می‌باشد. جمعیت شیعه عربستان از نظر تعداد، پس از عراق و لبنان و بحرین قرار دارد؛ اما سکونت آنان در منطقه‌ای استراتژیک، مقام ممتازی به شیعیان و مبارزات آنها داده است. علاوه بر جمعیت، مداومت مبارزه شیعیان عربستان علیه حکومت ریاض، دومین نکته‌ای است که حرکت‌های شیعی در منطقه را مهم و تعیین‌کننده ساخته است. در کنار آن دو، نویسنده به جایگاه اقتصادی و نیز ایدئولوژی پویای شیعیان نیز می‌پردازد و از پتانسیل‌های دینی - مذهبی شیعیان در تعارض با وهابی‌ها سخن می‌گوید. (ص ۱۸)

فواد ابراهیم با استناد به یافته‌های برخی استادان روابط بین‌الملل (از جمله آنگلو کودویلا<sup>۲</sup> از دانشگاه بوستون)، خاطرنشان می‌سازد که بخش اعظم ستم‌های اعمال شده بر شیعیان، ریشه در جهان‌بینی وهابی‌ها دارد که معمولاً به اختلافات درون دینی حساسیت بیشتری دارند و شیعیان را از صهیونیست‌ها خطرناکتر می‌شمارند. به عقیده کودویلا، وهابی‌ها در صدد احیای قواعد و هنجارهای امت اسلامی<sup>۳</sup> هستند، تمام مسلمانان غیروهابی را کافر می‌شمارند، همه مناسبات و نهادهای جدید را نوعی شرک می‌بینند و برای طرد مخالفین خود، به اصل تکفیر متوسل می‌شوند. به عقیده علی‌الوردی<sup>۴</sup>، اصل تکفیر هرچند نقطه ضعف وهابی‌هاست؛ اما آنان

1 . Ideology of Conquest

2 . Angelo codevilla

3 . Islamic Umma

4 . Ali-Al vardi

این اصل را به عنوان منشاء مشروعیت خود انتخاب و از آن برای غلبه بر گروه‌هایی‌ها - از جمله شیعیان - استفاده می‌کنند. (ص ۲۰)

شیوه نگرش وهابی به شیعیان و مذهب شیعه، بخش مهمی از فصل اول کتاب را به خود اختصاص داده است. نویسنده در خلال این مبحث، به مرور تاریخ اختلافات وهابی‌ها - شیعیان، از سال ۱۷۴۴ به بعد، می‌پردازد. ابراهیم با استناد به آثار مورخان (از جمله مورخ مشهور سعودی به نام ابن بشیر)، به تفصیل حملات خونین وهابی‌ها علیه شیعیان را شرح داده و جزئیات پذیرش سلطه سعودی‌ها از سوی شیعیان قطیف را توضیح می‌دهد.

واپسین بحث فصل اول کتاب، تشریح سه نوع تبعیض مذهبی، اقتصادی و سیاسی است که به عقیده نویسنده از سوی حکومت سعودی و وهابی‌ها علیه شیعیان اعمال می‌شده و هنوز هم ادامه دارد. برجسته‌ترین تبعیضی که مایه اختلاف شده و طرفین را رودروی هم قرار داده، تبعیض مذهبی است. در این زمینه، فواد ابراهیم تصریح می‌کند که نظام سیاسی و علمای مذهبی عربستان حاضر نیستند اصل تنوع مذهبی را به رسمیت بشناسند. آنها شیعیان را به عنوان شهروندان درجه دو<sup>۱</sup> می‌بینند و عقاید شیعیان - از جمله شفاعت<sup>۲</sup> و توسل<sup>۳</sup> - را خرافه می‌شمارند. در نتیجه، شیعیان در ساختن بناهای مذهبی - مانند حسینیه - پوشیدن لباس خاص، به زبان آوردن پاره‌ای عبادات و اوراد و برگزاری مراسم مذهبی، دچار محدودیت‌هایی هستند.

تبعیض علیه شیعیان به طرد مذهبی آنها محدود نمی‌شود. به شهادت فواد ابراهیم، شیعیان با وجود برخورداری از انرژی و استعداد فراوان، محرومترین گروه در عربستان هستند. به گفته رابرت لاسی<sup>۴</sup>، اگر استان شرقی تحت حاکمیت حکام سعودی نبود، غنی‌ترین کشور حوزه خلیج فارس می‌شد و از همه کشورهای منطقه ثروتمندتر بود. با این وجود، به گزارش کمیته بین‌المللی حقوق بشر در سال ۱۹۹۶: «استان شرقی یکی از محرومترین مناطق عربستان است، دولت در مقایسه با سایر مناطق، در استان شرقی بسیار کند عمل کرده و در بخش‌های آموزش، پزشکی و راه‌سازی، سرمایه‌گذاری مناسبی نمی‌کند. اولین بیمارستان مدرن قطیف در

1 . Second Class Citizen  
2 . Intercession  
3 . Invocation  
4 . Robert Lacy

سال ۱۹۸۷ بنا شد. (ص ۳۵)» با این توصیف، موضوع فقط این نیست که شیعیان رافضی شمرده می‌شوند و مطابق فتوای علمای وهابی، گوشت ذبح شده توسط شیعیان حرام عنوان می‌شود یا ازدواج با شیعیان، کفر به شمار می‌آید. در کنار این نگرش‌ها، دولت عملاً مناطق شیعه‌نشین را در فقر و محرومیت نگه داشته است.

تبعیض سیاسی علیه شیعیان، سومین نوع تبعیضی است که در فصل اول کتاب مورد توجه قرار گرفته است. به نوشته ابراهیم، شیعیان از تصدی مشاغل متوسط و عالی محرومند و نیروهای انتظامی، امنیتی و پلیس تماماً در اختیار سنی‌هاست. (ص ۴۱) حتی در استان شرقی یا شرقی هم، شیعیان به مشاغل مهم گمارده نمی‌شوند. مدیریت دانشگاهها، سفارتخانه‌ها و نهادهای مهم، همگی در اختیار سنی‌هاست. به گفته نویسنده (همان)، شیعیان در استان الاحساء حتی از تصدی معاونت مدرسه ابتدایی هم محرومند. یگانه شرط ارتقا در چنین فضایی، وفاداری به حکومت سعودی است. مهمترین وجه مشترک علمای وهابی و حکومت سعودی این است که شیعیان را غیر یا دگر خود می‌شمارند و هرگونه تلاش و تحرک آنها را نوعی توطئه و تمرد به حساب می‌آورند. نتیجه‌گیری نویسنده در فصل اول، این است که شیعیان به واسطه تبعیض‌های سه‌گانه مذهبی، اقتصادی و سیاسی، اپوزیسیون حکومت شده‌اند و همه حرکت‌ها و جهت‌گیری‌های حکومت را سیاسی می‌بینند و درصدد بوده‌اند ناراضی‌تی خود را به وضع حاکم ابراز نمایند. البته نویسنده کتاب به بعضی موارد خاص (مثلاً شیعه‌بودن سفیر عربستان در ایران در اوایل دهه ۱۳۸۰) اشاره نمی‌کند.

یکی از نکات ظریفی که نویسنده بدان اشاره می‌کند، تبعیض مضاعف علیه شیعیان در عربستان است. در عین حال، این ابهام مطرح است که آیا شیعیان، اکثریت جمعیت در استان‌هایی چون شرقی را تشکیل می‌دهند؟ به نوشته ابراهیم، ۳۳ درصد از جمعیت استان شرقی، شیعه و بقیه، سنی هستند. در این حالت، آیا باز هم می‌توان از تبعیض حساب شده علیه شیعیان سخن گفت؟ البته این ابهام نافی نگرش بسیار طردکننده وهابی‌ها به شیعیان نیست؛ اما در مواردی که ترکیب جمعیتی به نفع شیعیان نیست، آیا باز هم می‌توان از تبعیض اقتصادی علیه شیعیان دفاع کرد؟ بهتر بود نویسنده تصریح می‌کرد که در استان شرقی، شیعیان در مناطق خاصی (مثلاً گتوها یا محله‌های اقلیت‌نشین) سکونت دارند و بخش مهمی از

تبعیض‌ها معطوف به این مناطق است نه کل استان شرقی که بیش از ۶۰ درصد جمعیت آن را غیرشیعیان تشکیل می‌دهند. مطالعه فصل دوم کتاب که به هویت شیعیان استان شرقی اختصاص دارد، این ابهام را تا حدودی روشن می‌سازد.

## ۲. مبانی هویت شیعیان در استان شرقی

سؤال اساسی فصل دوم این است که شیعیان آگاهی جمعی خود را چگونه توسعه می‌دهند یا حفظ می‌کنند؟ نویسنده برای یافتن پاسخ به این پرسش، از چندگانگی منابع هویت در عربستان بحث می‌کند و تصریح می‌نماید که علایق منطقه‌ای (مانند نجدی، حجازی، شرقی و عصری بودن)، مذهبی (مانند شیعه، سنی، وهابی، اسماعیلی، مالکی، شافعی و جعفری بودن) و تعلقات قبیله‌ای (مانند تعلق به قبیله قهید، شمر، قحطان و مانند آن)، هویت ملی در عربستان را به امری موهوم تبدیل نموده و شهروندان عربستانی ترجیح می‌دهند خود را نه بر اساس ملیت بلکه بر اساس تعلقات مذهبی و عشیره‌ای معرفی کنند.

به عقیده فواد ابراهیم، هویت ملی در عربستان سعودی با سه مانع زیر مواجه است:

- فرقه‌گرایی وهابی‌ها

- اقتدارگرایی سعودی‌ها

- سرزمین‌گرایی نجدی‌ها

سه مانع مذکور (ص ۶۷)، سبب شده‌اند تا شخصیت‌های (ای قبیله‌ای، حکومتی) و مذاهب، جایگزین ملیت<sup>۱</sup> بشوند. نویسنده پس از تمهیدات نظری مرتبط (مانند ماهیت ازلی هویت و شیوه‌های انکار و دست‌کاری هویت)، به پاسخ پرسش اولیه فصل دوم می‌رسد و خاطر نشان می‌سازد که شیعیان، آگاهی جمعی خود را از طریق مراسم و مناسک و نمادهای جمعی مانند عزاداری‌ها، برگزاری جشن‌ها و اعیاد مذهبی، پرداخت نذورات و خمس و زکات، پوشیدن لباس‌های خاص در ایام عزاداری و شادی و نیز با تجمع در حسینیه‌ها، ارتقا بخشیده و نظام معنایی<sup>۲</sup> خود را پاسداری می‌کنند. نویسنده کتاب، عوامل دیگری چون نقش علما، رسوم،

1 . Nationhood

2 . Meaning System



روابط خانوادگی، نمازهای یومیه و مراسم مذهبی را از جمله نگهداران آگاهی جمعی شیعیان برشمرده و از دوگانگی هویت (مذهبی - ملی) نزد شیعیان سخن به میان می‌آورد. (ص ۵۵)

نکته کلیدی دیگر در فصل دوم، نگرش علمای وهابی نسبت به مسأله هویت ملی و ناسیونالیسم است. بر اساس توضیح نویسنده کتاب، وهابی‌ها ناسیونالیسم را همان قومیت و عصبيت متداول در جامعه جاهلی برشمرده و آن را محکوم می‌نمایند. از دید وهابی‌ها، اگر ناسیونالیسم به معنای عصبيت است، یادگار دوران جاهلی بوده و محکوم است و اگر ناسیونالیسم به معنای وطن‌دوستی و میهن‌دوستی است، این امر به دولت مربوط است و نه به ملت. (ص ۶۷)

نویسنده با وجود وعده اکید خود، ممیزات هویتی شیعیان را تحلیل ننموده و به صورت گذرا از شاخص‌های هویتی شیعیان عبور کرده است. بهتر بود فواد ابراهیم وزن مؤلفه‌های هویتی شیعیان را بیان می‌کرد. برای خواننده کتاب این ابهام مطرح می‌شود که آیا نمازهای یومیه به عنوان یکی از شیوه‌های بروز آگاهی جمعی شیعیان، هم‌وزن عزاداری عاشورا یا بزرگداشت نیمه شعبان و عید غدیر است؟ شاید بتوان مهمترین نقطه قوت فصل دوم را استناد نویسنده به متونی از آر. ویلسون، مک گوری، سی. فرید، ارنست گلنر و والکر کونور دانست که در عداد شاخص‌ترین نویسندگان و محققان موضوع ناسیونالیسم هستند.

### ۳. ظهور جنبش اسلامی شیعه

تا ابتدای فصل سوم، خواننده کتاب فواد ابراهیم بدین نتیجه رسیده که شیعیان عربستان سعودی طی ۲۵۰ سال اخیر همواره مورد طعن و تبعیض بوده‌اند. پاسخ شیعیان بدین چالش، خیزشی است که از سال ۱۹۶۸ آغاز گردید و در سال ۱۹۷۹ یعنی همزمان با وقوع انقلاب اسلامی در ایران به اوج خود رسید. با این توضیح، فواد ابراهیم در فصل سوم به تشریح زمینه‌های فکری خیزش ۱۹۷۹ می‌پردازد. او برای این منظور، دهه قبل از وقوع انقلاب اسلامی را بازخوانی کرده است. طی دهه قبل از انقلاب اسلامی، جنبشی به نام «حرکت الرسالین الطلع» در سال ۱۹۶۸ بنیان نهاده شد. این جنبش با حمایت آیت‌... سیدمحمد مهدی شیرازی (۲۰۰۲ - ۱۹۲۸)، مرجع تقلید میلیون‌ها شیعه عراق، بحرین، ایران و لبنان تأسیس گردید.

اندیشه سیدمحمد مهدی شیرازی در باب اسلام و جامعه مسلمانان، به قدری رونق و گسترش یافت که پس از مدتی به مکتب شیرازی ملقب شد. مکتب شیرازی حاوی قرائت خاصی از اسلام و تشیع بود که در قالب آن، اسلام به زندگی عمومی مسلمانان باز می‌گشت و اصطلاحاتی مانند آزادی بیان، تکثر سیاسی، تمدن اسلامی و امت مؤمن به احکام اسلامی، محترم شمرده می‌شدند. اندیشه شیرازی به سرعت و سهولت در حرکت *الرسالین الطلع* نفوذ یافت و پیشگامان جنبش مذکور از طریق بازآفرینی سنت شیعی<sup>۱</sup>، قد علم کردند. به نوشته فواد ابراهیم، حرکت *الرسالین الطلع* به شدت متأثر از اندیشه‌های سید قطب بود. سید قطب و حرکت *الرسالین الطلع*، هر دو از بازگشت جوامع اسلامی به جاهلیت انتقاد می‌کردند و خواهان آن بودند که جامعه مسلمین دوباره به دوران طلایی اسلام بازگردد و احکام و مناسک اسلامی احیا شود. (ص ۹۰) آنها حکومت‌های حاکم بر سرزمین‌های اسلامی را مشرک نامیده و درصدد اصلاح و هدایت آن بودند.

فواد ابراهیم، معتقد است که احیای شیعیان و رونق فعالیت‌های فکری - سیاسی آنها، متأثر از اندیشه‌های روشنفکران غیرروحانی مانند جلال آل‌احمد و علی شریعتی بود. ابراهیم با اشاره به مفاهیمی چون بازگشت به خویشتن، از خودبیگانگی و غریزدگی، تصریح می‌کند که اندیشمندان ایرانی، سهم و نقش بسیار مهمی در احیای حرکت شیعیان داشتند. ابراهیم بدون اشاره به شیوه تأثیرگذاری اندیشه‌های آل‌احمد و شریعتی بر حرکت *الرسالین الطلع*، به تعبیر انقلابی آن دو اندیشمند ایرانی از اسلام و تشیع می‌پردازد. از نگاه وی، حرکت *الرسالین الطلع* برای اولین بار در طول تاریخ اسلام، اسلام شیعی سنتی را نقد کرد و برداشت شریعتی از مفاهیم انتظار، تقیه، عاشورا و عصر غیبت را مورد توجه قرار داد. به باور ابراهیم، ایدئولوژی حرکت *الرسالین الطلع*، همان ولایت فقیه است که شرط کلیدی آن زعامت فقها<sup>۲</sup> می‌باشد. حاصل سخن فواد ابراهیم در فصل سوم این است که رونق مکتب شیرازی، توسعه فعالیت‌های حرکت *الرسالین الطلع* (مانند آموزش نظامی، برگزاری برنامه‌های مذهبی، حمایت مالی، تأسیس روزنامه و مجله و مراکز تبلیغ اسلامی و مواردی از این قبیل) و تعبیر انقلابی اندیشمندان غیرروحانی ایرانی از تعالیم شیعی، سبب بروز دهه‌ای انقلابی شد. یعنی از سال

1 . Reinvention of Shia Tradition

2 . Jurist guardianship

۱۹۷۹ تا ۱۹۸۹ شاهد ظهور دهه‌های انقلابی هستیم که معلول و محصول فعالیت‌های فکری اندیشمندان دهه ۱۹۷۰ است.

#### ۴. دهه انقلابی (۱۹۸۹ - ۱۹۷۹)

دهه انقلابی شیعیان در منطقه خلیج فارس از سال ۱۹۷۹ آغاز می‌شود؛ سالی که طی آن، انقلاب اسلامی در ایران به پیروزی رسید و نخستین دولت اسلامی شیعی در قرن بیستم، تأسیس شد. علاوه بر این، گروهی در سال ۱۹۷۹، مسجدالحرام را اشغال کردند و طی آن مطالبات انباشته خود علیه حکومت سعودی را ابراز نمودند. این دو رویداد مهم، آغازگر سلسله حرکت‌ها و اقداماتی بود که فواد ابراهیم آن را در فصل چهارم و زیر عنوان دهه انقلابی توضیح داده است.

به عقیده ابراهیم، دلایل خیزش انقلابی شیعیان طی دهه ۱۹۸۰ در عربستان بدین قرار بود: تبعیض‌های مختلف مذهبی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، انکار هویت شیعیان و فتوای علمای وهابی بر ضرورت بازگشت شیعیان به اسلام راستین، بی‌نتیجه بودن استراتژی قانونی (مکاتبه نجبا و خانواده‌های سرشناس با حکام سعودی)، وقوع انقلاب اسلامی در ایران و فروپاشی رژیم پادشاهی پهلوی و بی‌ثمر ماندن حمایت آمریکا از آن رژیم و بالاخره مدرنیزاسیون (شهرنشینی و توسعه اقتصادی و افزایش سطح سواد و ارتباطات).

در نتیجه این عوامل، شیعیان ناراضی در قالب «سازمان انقلاب اسلامی»<sup>۱</sup> گرد آمده و به تلاش‌های زیر مبادرت ورزیدند:

- ارتقاء آگاهی مذهبی شیعیان.

- جذب کمک‌های مالی داخلی و خارجی.

- عضوگیری، آموزش و سازماندهی نیروهای جدید.

- احیای هویت شیعی از طریق برگزاری برنامه‌های مذهبی - فرهنگی.

در تحلیل ابراهیم از ماهیت و جهت‌گیری سازمان انقلاب اسلامی، یک نکته اهمیت کلیدی دارد و آن عبارت است از استفاده انقلابیون و ضدانقلابیون از شعار و منبع مشترک. بدین

ترتیب که هم شیعیان و هم سعودی‌ها و وهابی‌ها، همگی از ضرورت هدایت طرف مقابل سخن می‌گفتند و در این راستا به تاریخ گذشته رجوع می‌کردند.

نتیجه راهبردی حرکت انقلابی شیعیان عربستان، ابراز خصومت سعودی‌ها با انقلاب نوپای اسلامی در ایران بود؛ اما فواد ابراهیم وابستگی شیعیان عربستان به ایران را انکار می‌کند و معتقد است که شیعیان عربستان، بافت جغرافیایی - سیاسی و فرهنگی خاصی دارند و نمی‌توان آنها را ستون پنجم تهران خواند. در عبارتی کلی، می‌توان گفت که ابراهیم طی فصل چهارم به تبیین ایدئولوژی، استراتژی (قانونی و فراقانونی)، دیدگاهها و فعالیت‌های سازمان انقلاب اسلامی پرداخته و خاطرنشان می‌سازد که شیعیان در پاسخ به تبعیض‌های تاریخی، در دهه ۱۹۸۰ کوشیدند با توسل به ابزارهای قانونی و فراقانونی<sup>۱</sup>، رویکردی انقلابی پیشه کنند. در نتیجه این رویکرد شیعیان، شیعه محافظه‌کار سنتی در معرض چالش قرار گرفت، مطالبات شیعیان آشکارا صبغه سیاسی یافت، دولت‌های منطقه، شیعیان را در محاسبات خود وارد نمودند و مهمتر از همه، همگرایی و اشتراک نظر بین شیعیان گسترش یافت. (ص ۱۳۹)

##### ۵. حرکت از رویکرد انقلابی به رویکرد اصلاحی (۱۹۸۹ - ۱۹۹۳)

طی دهه انقلابی (۱۹۸۹ - ۱۹۷۹)، هم سختگیری حکام سعودی بر شیعیان افزایش یافت و هم حکومت سعودی به عنوان حکومتی نابردبار مشهور شد. پس از ده سال تندروی و چالش خشونت‌آمیز، رهبران سازمان انقلاب اسلامی بر آن شدند تا باب مذاکره و معامله با ملک فهد را باز کنند. فهد هم بی‌میل نبود تا با جلب رضایت شیعیان، در عرصه بین‌المللی تصویری تازه از اقتدارگرایی سعودی‌ها ارائه کند. در این شرایط، شیعیان بر آن شدند تا:

- وضع موجود یعنی مشروعیت سعودی‌ها در حکومت بر عربستان را بپذیرند.
- رویکردی معتدل و مدرن (تأکید بر حقوق بشر، آزادی اطلاعات و استفاده از سازمان‌های بشردوستانه و بین‌المللی، تمرکز بر مطالبات اقتصادی) اتخاذ کنند.

- از ابزارهای نظامی دوری جسته و با هدف جلب تحمل و مدارای سعودی‌ها، از الگوی مشارکت پیروی کنند (صدور بیانیه در حمایت از تمامیت ارضی عربستان در قبال حملات صدام حسین در سال ۱۹۹۰ در همین راستا بود).

- به جای تأکید بر مضامین انقلابی و تجدیدنظرطلبانه شیعه، بر وجوه معتدل و مسالمت‌جویانه آن تمرکز نمایند.

- در کنار احترام به مرجعیت علما، از دیدگاه‌های سایر گروه‌های سنی و لیبرال هم بهره بگیرند. (ص ۱۵۳)

- به جای نخبه‌سالاری، سازمان انقلاب اسلامی تلاش کرد تا کانال‌های ارتباطی خود با نیروهای اجتماعی را توسعه دهد. (ص ۱۴۲)

این تغییر رویکرد، البته حاصل فرونشستن تنش‌های ایدئولوژیک در دنیا هم بود. وقوع انقلاب‌های آرام در کشورهای اروپای شرقی، پایان جنگ ایران - عراق و اتخاذ رویکردی پراگماتیستی از سوی دولت آقای رفسنجانی و بالاخره دستاوردهای قلیل ده سال جنگ و تنش، از جمله دلایل اتخاذ رویکرد اصلاحی در سال ۱۹۸۹ بود. ملک فهد در قبال تغییر سیاست شیعیان، موضع مثبت و معتدلی اتخاذ نمود. این رفتار وی ناشی از تغییر شرایط بین‌المللی و منطقه بود. با وقوع جنگ ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱، توجه رسانه‌های بین‌المللی به منطقه خلیج فارس و بحران آبی آن معطوف شد و شیعیان، از این فرصت رسانه‌ای به بهترین نحو ممکن استفاده کردند. فعالان حقوق بشر ضمن انتشار گزارش، در خصوص وضع شیعیان، پادشاهی سعودی را با امپراطوری شوروی مقایسه کردند که پس از هفتاد سال، عاقبت نتوانست اقلیت‌ها را یکدست کند و فروپاشید. شکل‌گیری و تبلیغ این گفتمان برای فهد بسیار گران بود. به همین خاطر شکایت‌نامه‌ها و توصیه‌های فعالان شیعه از سوی ملک فهد بایگانی نشد و به موضوعات مذاکره دولت با اقلیت شیعه راه یافت.

نرمش‌های مذکور، زمینه را برای همسویی و توافق بین اپوزیسیون شیعه و حکومت سعودی فراهم ساخت. این همسویی از سال ۱۹۹۳ یعنی پس از عقب راندن نیروهای عراقی از کویت توسط متحدین آغاز گردید. فرایند، دلایل و نتایج این همسویی، موضوع فصل ششم و یکی از غنی‌ترین مباحث کتاب است که در ادامه می‌خوانید.

## ۶. تفاهم بی سابقه

از نگاه فواد ابراهیم، در سپتامبر ۱۹۹۳، اتفاقی بی نظیر در عربستان سعودی رخ داد و آن این بود که حکام سعودی و علمای وهابی، گفتگو با شیعیان را پذیرفتند. این تغییر رفتار با شیعیان که به مدت ۱۵ سال در حال جنگ و گریز با سعودی‌ها بودند و وهابی‌ها آنها را تکفیر کرده بودند، اهمیت بسیار داشت. در پناه این گفتگوها، مسافرت شیعیان به خارج از کشور آزاد شد، صدور گذرنامه برای آنها آغاز گردید، بسیاری از زندانیان و تبعیدی‌های شیعه به موطن خود بازگشتند و به طور کلی فضایی از همسویی و تفاهم بین جنبش شیعیان به ویژه حرکت اصلاح و حکومت سعودی آغاز شد.

فواد ابراهیم دلایل گرایش شیعیان به تفاهم را در قالب موارد زیر تحلیل کرده است:

یک. وقوع اختلاف نظر بین اعضای خاندان سلطنتی در خصوص برخورد با شیعیان.

دو. اوضاع بحرانی اقتصاد عربستان سعودی در پی جنگ ۱۹۹۱ خلیج فارس.

سه. رونق روابط ایران - عربستان سعودی و درخواست عربستان از ایران برای دوری از حمایت شیعیان منطقه.

چهار. افزایش فشار فعالان حقوق بشر و سازمان‌های بین‌المللی برای آغاز گفتگو و طرح مطالبات طرفین و ترک رفتارهای خشونت‌آمیز.

پنج. دگرگونی ایدئولوژیک جنبش اصلاح و اجماع رهبران جنبش برای مذاکره با حکومت مرکزی.

به عقیده بندر بن سلطان، سفیر کهنه‌کار عربستان در آمریکا طی دهه‌های هشتاد و نود میلادی، مهمترین دلیل در تغییر رفتار متقابل شیعیان - حکومت سعودی، منفعت بود. بر این اساس، رهبران جنبش اصلاح بدین نتیجه رسیدند که اهداف آنها از طریق مذاکره زودتر بدست می‌آید تا از طریق جنگ مسلحانه یا مخاصمه سیاسی. (ص ۱۸۳)

پس از آغاز مذاکره، شیعیان به صورت رسمی و علنی تری به طرح مطالبات خود پرداختند.

مطالبات شیعیان در دو مورد زیر خلاصه می‌شد:

- رعایت حقوق مذهبی و جلوگیری از رافضی یا کافر خواندن آنها از سوی علمای وهابی.

- رعایت اصل برابری در توزیع فرصت‌های شغلی، خدمات رفاهی و آموزشی و اقتصادی.

ابراهیم پس از تشریح مفصل این مطالبات، عنوان می‌دارد که به نتیجه رسیدن این مطالبات اهمیت چندانی نداشت. مهم این بود که بالاخره سعودی‌ها، شیعیان و جنبش اصلاح را به عنوان موجودیتی سیاسی پذیرفته و با آنها بر سر میز مذاکره نشستند. (ص ۱۸۵)

پس از آغاز این مذاکرات، دولت سعودی در مقابل علمای نئوسلفی قرار گرفت که همچنان شیعیان را مستحق کشتار و طرد و تکفیر می‌دانستند. انتظار حکام سعودی این بود که علمای رادیکال وهابی، دیدگاههای تند خود در خصوص شیعیان را تعدیل کنند و در عوض، شیعیان نیز از رفتارهای تحریک‌آمیز خود (مانند فعالیت در مجامع و شهرهای اروپایی، راه‌اندازی نشریات بین‌المللی علیه سعودی‌ها، شکایت به مجامع حقوق بشر بین‌المللی و فعالیت زیرزمینی در مناطق نفت‌خیز) دست بردارند. ملک فهد برای توجیه نرمش ریاض در قبال شیعیان، مذاکره و تفاهم سال ۱۹۹۳ را نوعی عفو عمومی معرفی می‌کرد و شیعیان نیز ترک مخاصمه با سعودی‌ها را نوعی عقلانیت و درک منطق حاکم بر نظام بین‌الملل می‌شمردند. با وجود همه این توجیه‌ها، مذاکره و توافق بزرگ در سال ۱۹۹۳ صورت پذیرفت و جنبش اصلاحی شیعیان به بیست سال فعالیت انقلابی خود خاتمه داد.

#### ۷. تعامل شیعیان - حکومت سعودی (۲۰۰۵ - ۱۹۹۳)

طی نیم قرن اخیر، حکومت سعودی با اپوزیسیون‌های مختلفی مواجه بوده است. ناسیونالیست‌ها، سکولارها و چپ‌ها، از جمله مخالفان سیاسی آل سعود بوده‌اند. در عین حال، حکومت مرکزی در مقابل هیچ یک از آنها نرمش نشان نداده و همگی را طرد، تکفیر، تحریم و سرکوب نموده است. در مقایسه با آن گروه‌ها، شیعیان دستاوردهای بزرگی داشته‌اند؛ به طوری که سازش و مذاکره با شیعیان، آل سعود را با معضلات بسیار دشواری مواجه ساخته است. فواد ابراهیم در واپسین فصل کتابش، آن معضلات را بدین شرح برشمرده است: (ص ۲۱۰)

- اختلاف در میان هیأت حاکمه در باره شیوه برخورد با شیعیان.
- نارضایتی طیف رادیکال وهابی‌ها در خصوص مذاکره دوستانه با شیعیان.
- احیای موقعیت شیعیان در عربستان سعودی و کشورهای عرب خلیج فارس.
- احتمال بین‌المللی شدن اختلاف شیعیان با خاندان و حکومت سعودی.

مذاکره و تفاهم، فقط آل سعود را آزار نمی‌داد. رهبران جنبش اصلاح نیز باید برای پیروان خود توضیح می‌دادند که چرا با سعودی‌ها (آن خصم دیروز) مذاکره و تفاهم کردند. ابراهیم توضیح داده است که رهبران جنبش با تشکیل جلسه‌های خیابانی و تجمع‌های مختلف سیاسی، به پیروان خود توضیح دادند که ادامه راه گذشته، آینده را خراب می‌کند و تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی، فرصت‌هایی را ایجاد نموده که لازم است استفاده شوند.

بر اساس توضیحات فواد ابراهیم، از سپتامبر ۱۹۹۳ تا سال ۲۰۰۵، شیعیان سه مرحله متمایز را پشت‌سر نهاده‌اند:

**مرحله اول؛** این مرحله از سال ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۵ تداوم دارد که طی آن جنبش اصلاح اعضای خود را از اروپا و آمریکا فراخوانده ولی نمی‌داند که چه سیاستی را در پیش بگیرد.

**مرحله دوم؛** این مرحله از سال ۱۹۹۵ تا سال ۱۹۹۷ طول می‌کشد و به دوره سازماندهی و آماده‌سازی مشهور است. طی این دوره، رهبران جنبش اصلاح باب مراد به با خاندان سلطنتی را باز کرده و از بین انبوه شاهزادگان، متحدانی برای خود برمی‌گزینند. (ص ۲۱۳)

**مرحله سوم؛** از سال ۱۹۹۸ تا جنگ آمریکا - عراق در سال ۲۰۰۳ و سرنگونی صدام ادامه دارد. در این مرحله، شیعیان با طیف میانه‌روی وهابی‌ها و سلفی‌ها رابطه برقرار کرده و ضمن پذیرش قاعده بازی، بر ضرورت احقاق مطالبات خود تأکید می‌ورزند. در پرتو این دیدارها و توافق‌ها، شیعیان موفق می‌شوند مساجد جدیدی بنا کنند، در برگزاری مراسم مذهبی خود تا حدودی آزاد می‌شوند و سطح زندگی خود را تا حدودی ارتقا می‌دهند. این سازش به مرحله‌ای می‌رسد که بعضی رهبران جنبش اصلاح در نشریات سنی‌ها (مانند عکاذ) مقاله می‌نویسند و در نوشته‌های خود به نفع دولت عربستان در قبال خارجی‌ها (بی‌ی که علاقمند به جدایی مناطق شیعه‌نشین از سعودی‌ها هستند) موضع‌گیری می‌کنند.

پس از سال ۲۰۰۳، شیعیان عربستان سعودی از موقعیت بهتری برخوردار شدند. دسترسی ارزان و آسان به ابزارهای اطلاع‌رسانی و نیز سیل انتقاد جهانی از شیوه مملکت‌داری سعودی‌ها، شیعیان را کمک نمود تا مطالبات خود را با عزم و گستردگی بیشتری اعلام دارند. البته شیعیان در این موقعیت نیز بر وفاداری خود به حکومت سعودی تأکید کرده و بر عهد خود به رعایت قواعد بازی وفادار ماندند. در سال ۲۰۰۴ و در اوج اعمال فشار جهانی علیه



سعودی‌ها، ۴۵۰ تن از نخبگان و افراد سرشناس شیعه، طی نامه‌ای به ملک‌عبدالله، تجدید میثاق و بیعت کردند. (ص ۲۱۶) در پرتو این تعامل دوجانبه، شیعیان به تنوع فعالیت‌های خود افزودند، رفته رفته با صراحت و رسمیت بیشتری ابراز وجود کردند و همایش‌های متعددی در زمینه توسعه حقوق شیعیان برگزار گردید (ص ۲۱۷). در نتیجه، شیعیان به عنوان گروهی معترض ولی مشروع و محق پذیرفته شدند و دولت نوپای ملک عبدالله گرفتارتر از آن بود که به کنترل و سرکوب آنها پردازد. وهابی‌ها نیز به خاطر پرورش افرادی چون بن‌لادن، زیر فشار افکار عمومی و رسانه‌های بین‌المللی قرار داشتند. این موارد، زمینه را برای سازماندهی نیروهای شیعی و فعالیت‌های منظم آنها مهیا می‌ساخت.

یکی از جذاب‌ترین مباحث ابراهیم در فصل هفتم، شرح اصلاحاتی است که شیعیان در افکار سیاسی - مذهبی خود به عمل آوردند. (ص ۲۱۸) به عقیده ابراهیم، رهبران جنبش اصلاح با ملاحظه اوضاع منطقه و جهان، بر ضرورت احیای نقش مذهب در عرصه عمومی تأکید ورزیدند، از منابع و سنت شیعی تفسیر جدیدی ارایه کردند، عاشورا را به طرز آشتی‌جویانه‌ای معرفی و امام حسین (ع) را نماد وحدت امت اسلامی و نه یک شخصیت انقلابی و تجدیدنظر طلب معرفی نمودند. در برگزاری مراسم محرم نیز بر مضامین اخلاقی - اجتماعی عاشورا تأکید شد. این تغییر جهت و سمت‌گیری‌ها نشان از یک دگرگونی عمده می‌داد و آن عبارت بود از حرکت شیعیان به سمت ادغام اجتماعی در عربستان سعودی.

شیعیان علاوه بر اصلاحات مذهبی، در زمینه تحولات سیاسی نیز تحولاتی را پذیرا شدند. تأکید بر حقوق شهروندی، وحدت ملی و ضرورت همگرایی بین اقوام، از جمله مطالبی بود که شیعیان در اوایل قرن ۲۱ مورد توجه قرار داده‌اند.

البته نباید فراموش کرد که تغییر مرام و سیاست‌ها به آسانی صورت نپذیرفت. نارضایتی طیف تندروی وهابی‌ها (از جمله امام جماعت مسجدالنبی که در سال ۱۹۹۸ و در حضور آقای هاشمی رفسنجانی، رییس جمهور اسبق ایران، شیعیان را خطرناکتر از یهودیان و مسیحیان خواند)، مهمترین مانع توجه ملک‌عبدالله به اوضاع شیعیان بوده است. (ص ۲۳۰) از جانب دولت نیز موانعی پیش‌روی سیاست آشتی وجود داشت که از جمله آنها می‌توان به بی‌ثباتی اقتصادی، ساختار رانتیر و تعدد منابع هویت در عربستان اشاره کرد. (ص ۲۳۸)

فواد ابراهیم در فصل هفتم کتاب بدین نتیجه رسیده است که: تحولات تکنولوژیک و سیاسی جهان، نشان می‌دهند که عربستان سعودی کشور یکدستی نیست، بلکه مجموعه متنوعی است و گروه‌های مختلفی در آن زندگی می‌کنند. در صورت عدم پذیرش وحدت در عین کثرت، عربستان شاهد ناآرامی‌های متعددی خواهد بود. آینده دولت سعودی، موضوع در خور توجهی است و محققان و تحقیقات باید به جای توجه به گذشته عربستان، آینده آن را بررسی کنند. این ضرورت است و نه گزینه اختیاری. (ص ۲۵۰)

فواد ابراهیم در تخمین چشم‌انداز آتی ثبات در عربستان سعودی، تصریح می‌کند که با وجود وعده ملک‌عبدالله برای دموکراتیک‌کردن عربستان طی دو دهه آینده (تا سال ۲۰۲۵)، به نظر نمی‌رسد وی در این فرصت اندکی که دارد، بتواند انبوه توقعات پدیدآمده در نزد جوانان، زنان و اقلیت‌ها را برآورده سازد. به عقیده ابراهیم، «تجربه عربستان نشان می‌دهد که درآمدهای نفتی همواره مانعی برای اصلاحات سیاسی بوده است. هرگاه دولت قوی شده، جامعه را ضعیف کرده و در واقع می‌توان گفت که رفاه اقتصادی همیشه مانعی برای اصلاحات سیاسی بوده است.» (ص ۲۵۵)

به طور کلی اشراف فواد ابراهیم بر جزئیات فعالیت‌های شیعیان عربستان سعودی و نیز آگاهی او از چارچوب‌های نظری بحث حقوق اقلیت و مبحث هویت، اثر وی را به مجموعه‌ای خواندنی تبدیل کرده است. با وجود این محاسن، کتاب «شیعیان عربستان سعودی» در بعضی موارد بسیار توصیفی می‌شود، ملاک تفکیک فصول از همدیگر مشخص نیست و معلوم نیست که تفاوت واقعی فصل شش و هفت در چه چیزی است. نویسنده کتاب، با استناد به بیش از ۱۲۰۰ سند ویژه و منبع علمی معتبر، اثر ماندگاری در مورد شیعیان منطقه ارائه کرده است؛ اما خواننده کتاب با اشتیاق صفحات پایانی اثر را می‌کاود تا اوضاع کنونی و تمهیدات آتی شیعیان را دریابد که متأسفانه ابراهیم به آن پرداخته و مسایل شیعیان طی پنج سال اخیر را بسیار به اجمال بیان داشته است. متخصصان علم سیاست و روابط بین‌الملل، با مطالعه کتاب شیعیان عربستان سعودی، چارچوب مفهومی و داده‌های بی‌نظیری در مورد فراز و فرود فعالیت‌های شیعیان در عربستان می‌یابند.

دکتر قدیر نصری